

تبعیضات نژادی در افریقای جنوبی

تبعیض بر پایه نژاد در تاریخ زندگی بشر چیز تازه‌ای نیست. خواه در رسالات فلسفی و آراء سیاسی پیشینیان و خواه در زندگی سیاسی و عملی، پندار و رفتار تبعیض‌آمیز شواهد گوناگون دارد.

حکیم ناموری چون ارسطو، بردگی را نهادی طبیعی و سازگار با سرشت آدمی میدانست به رأی ارسطو هدف زندگی آدمی تحصیل شادی از طریق فضیلت تحت هدایت عقل است. از آنجا که شادی بدون فضیلت تحقق نمیپذیرد و فضیلت بدون عقل ممکن نمیگردد، پس کسی که از عقل بهره‌کافی نداشته باشد نه از شادی برخوردار است نه از فضیلت، مگر تحت فرمان کسی قرار گیرد که از عقل با اندازه کافی برخوردار باشد.

باین ترتیب بردگی هم بسود ارباب است هم بسود بنده.

به سود ارباب است زیرا وی که برای پرورش استعداد خود نیازمند دارا بودن مال است برده را بعنوان يك ابزار زنده تملك میکند. بسود برده است زیرا وی از بهترین زیست برخوردار میشود چون به فرمان کسی گردن میگذارد که از نظر عقل بر او برتر است. آراء و نظریات سیاسی تنها بر روی کاغذ اثر نمیگذارد بلکه دیر یا زود سکه رایج بازار میشود و جای خود را در میدان عمل و تجربه باز میکند. در دهه قبل از «جنگ داخلی» آمریکا جنوبیها برای توجیه «سازمان ویژه» خود به شیوه ارسطو مناقشه میکردند و سیاهان را موجوداتی ذاتاً فروتر از خود میدانستند.

پندارها و آراء رهبر حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان دایر بر ادعای برتری يك نژاد بر نژادهای دیگر پس از اندک زمانی به کشتار شش میلیون یهودی انجامید و جنگ جهانی دیگری را از پی آورد که طی آن میلیون‌ها تن به خاک هلاک افتادند.

نباید چنین پنداشت که نژاد پرستی منحصر به نژاد سفید بوده است. جامعه شناسان بما میگویند که در ادوار مختلف سخنگویان چینی و ژاپنی‌ئی بوده‌اند که نژاد زرد را از نژادهای دیگر برتر میدانستند. افسانه زیر در باره خلقت آدمی در میان قبایل سرخ پوست (Cherokees)

1) Politics of Aristotle (Tr. Ernest Barker, Oxford University Press, 1949). i, Chap. 4 Sec. 2.

۲- همان مرجع، فصل پنجم، بخش نهم (و نیز رجوع شود به کتاب سیاست ارسطو ترجمه دکتر حمید عنایت، استاد دانشگاه تهران).

که از وجود اروپائیان و سیاهان آگاه بوده‌اند روایت شده است .
 « روح بزرگ ، آدمی را از خمیر آفرید ، بدین‌سان که سه صورت از خمیر ساخت و در تنور گذاشت . چون بدیدن ساخته خود سخت مشتاق بود ، نخستین صورت را از روی شتاب و خیلی زود بیرون آورد . این صورت سفیدگون و نیم پخته و نازیبا بود . اما گریزی از فعل او نبود و نژاد سفید از این موجود بینوا پدید آمد ! پس از آن او شاهکار خود را بیرون کشید صورتی که کاملاً پخته بود و سرخ‌گون و قهوه‌ای رنگ شده بود که البته نیا و اصل نژاد سرخ‌گردید .

او بقدری در تحسین غرور آمیز ساخته خویش سرگرم بود که از سومی بکلی غافل ماند تا زمانیکه آوخ ، بوی سوختگی بمشامش رسید . سومین صورت را که خیلی دیر بیرون آورد نیمسوزی سیاه بود که منشأ نژاد سیاه گردید .^۳

اعمال و رفتار تبعیض نژادی در گذشته با تساهل تلقی میشد . گرچه در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم قواعدی برای حفظ و حمایت حقوق بشر بتصویب رسید ولی پس از پایان جنگ جهانی دوم بود که جامعه بشری باین نکته توجه کرد که رفتار ستمگرانه و ضد انسانی در داخل یک کشور ممکن است آثاری زیان بخش برای جامعه بین‌المللی بیار آورد از این رو در بنای سازمان جهانی پس از جنگ این نکته مورد تاکید قرار گرفت . نخست در منشور آتلانتیک (Atlantic Charter, 1941) و سپس در پیشنهادات دامبارتون اوکن (Dumbarton Oaks Proposals, 1944) و سرانجام در منشور سازمان ملل متحد (۲۴ اکتبر ۱۹۴۵) موادی برای حفظ و حمایت حقوق بشر پیش‌بینی گردید تا سازمان بین‌المللی بتواند در زمینه پیشرفت حقوق بشر مداخله کند .

یکی از کشورهایی که پس از سرنگون شدن رژیم آلمان نازی سرسختانه در اجرای سیاست تبعیضات نژادی کوشیده است ، کشور جمهوری افریقای جنوبی است . کشور مذکور برغم کوشش‌های سازمان ملل در ادامه سیاست نژادی پافشاری کرده و سبب شده است که این سیاست در جنوب افریقا بویژه در رودزیای جنوبی و افریقای جنوب غربی گسترش یابد . در مقاله‌زیر کوشش خواهیم کرد تا سیاست نژادی دولت افریقای جنوبی را مورد بررسی قرار دهیم بدین‌منظور نخست به بررسی کوتاهی از تاریخ افریقای جنوبی میپردازیم و پس از اشاره به وضع اقتصادی و اجتماعی کشور مزبور کوشش خواهیم کرد تا علل پیروی از این سیاست را بازنمائیم آنگاه نگاهی به قوانین و مقررات تبعیض نژادی خواهیم افکند و در پایان اقدامات سازمان

۳- افسانه مزبور بوسیله یک مردم‌شناس بلژیکی گزارش شده و در کتاب آدمی و کارهای او تألیف هرس کویتس بازگفته شده است :

M. J. Herskovites, Man and His Works.

منبع ما : مسائل مهم سیاست تألیف لیبسون :

Leslie Lipson, The Great Issues of Politics (Prentice Hall, Inc., 1965)

3rd. ed., P.89

ملل متحد را در زمینه مبارزه با سیاست نژادی دولت افریقای جنوبی باختصار بررسی و ارزیابی خواهیم کرد .

۱- سرزمین و مردم افریقای جنوبی

در جنوبی ترین بخش قاره افریقا ، جمهوری افریقای جنوبی قرار دارد که با وسعت ۴۷۲،۳۵۹ میل مربع دواقیانوس اطلس و هند را از یکدیگر جدا میسازد . این جمهوری از طرف شمال با مرزهای جنوبی غربی موزامبیک (مستعمره پرتغال) هم مرز بوده و همسایه نزدیک رودزبای جنوبی است . در شمال غربی آن سرزمین افریقای جنوب غربی قرار دارد که از پایان جنگ اول جهانی بپس اداره آن بصورت قیمومیت (Mandate) به دولت جمهوری افریقای جنوبی واگذار شده است . جمعیت افریقای جنوبی مرکب از نژادهای مختلف است سفید پوستان اروپائی نژاد افریقای جنوبی بالغ بر سه میلیون نفرند که بزرگترین تمرکز جمعیت سفید پوست را در قاره افریقا تشکیل میدهد و دست کم هشت برابر جمعیت سفید پوست بقیه افریقا واقع در جنوب صحرا است . در کنار این ۱۳ میلیون نفر از نژادهای افریقای، آسیائی و سیاه زندگی میکنند . چگونگی پیدائی و تمرکز جامعه چند نژادی افریقای جنوبی ماجرائیست که توضیح آن بررسی مختصری از تاریخ افریقای جنوبی را ایجاب مینماید .

۲- سابقه تاریخی

عوامل تشکیل دهنده يك جامعه پیچیده انسانی در افریقای جنوبی به نیمه های قرن هفدهم بازمیگردد . در آن زمان فرانسه - انگلستان و هلند بانگیزه تجارت با مشرق زمین با یکدیگر رقابت میکردند . در نیمه های قرن هفدهم ، کمپانی هند شرقی هلند انحصار تجارت با مشرق را از راه دماغه کاپ (جنوب افریقا) بدست آورد . بعلت دراز بودن مسافت های دریائی و تلفات فراوان ، کمپانی مزبور در سال ۱۶۵۲ درصد برآمد در دماغه امید نیک واقع در جنوب افریقا توقفگاهی بنا کند و از آنجا گوشت و میوه و سبزیجات تازه تحصیل کند .

گرچه کمپانی هند شرقی در پی آن نبود که هلندی نو در جنوب افریقا تأسیس کند ولی رفته رفته مهاجرت هلندیها به جنوب افریقا آغاز شد و سکنه اروپائی کاپ افزایش یافت هلندیها در ابتدای ورود به کاپ با بومیانی بنام هاتن تاتز (Hottentots) روبرو شدند که به گله داری اشتغال داشتند . هلندیها از این بومیان گاو و گوسفند میخریدند و در عوض مصنوعات اروپائی با آنها مبادله میکردند . نیاز روز افزون هلندیها به گوشت به علت افزایش جمعیت ، سبب شد که هلندیها خود به گله داری مشغول شوند . و برای کارهای کشاورزی از ماداگاسکار و سواحل شرقی برده وارد کنند . همچنین آنها در جستجوی مزارع وسیع تر و چراگاههای حاصلخیز بنواحی شرقی کاپ روی آوردند . در این پیشروی هلندیها با بومیان دیگری برخورد کردند که تمدن آنها از هاتن تاتز ابتدائی تر بود و روزگار را از راه صید و شکار میگذراندند این دسته از بومیان به بوش من (Bushmen) معروف شدند . بین ایندسته از بومیان و هلندیها گاه گاه زدو خورد در می گرفت زیرا بوش من ها که با فکر

مالکیت خصوصی بیگانه بودند به هلندیها شبیخون میزدند و اموال آنانرا به غارت میبردند هلندیها نیز برای تنبیه بومیان بشکار آنها میرفتند. بگفته مورخین در یکی از این شکارها بیش از ۲۵۰ بوش من بقتل رسیدند و زنان و کودکان آنان به بردگی به مزارع برده شدند. از آمیزش بین سفید پوستان اروپائی نژاد - بردگان - بومیان هاتن تاتز و بوش من نژادی در افریقای جنوبی پدید آمد که تعداد آنها اکنون به ۱/۵ میلیون نفر میرسد و اصطلاحاً آنها را سیاهان کاپ یا (Cape Coloured People) مینامند. دیری نپائید که توقفگاه کاپ بصورت يك مستعمره بزرگ درآمد. هلندیها که به وطن جدید خود عشق میورزیدند خود را افریکانر (Afrikaners) نامیدند. وزبانی که بدان سخن میگفتند افریکانز (Afrikaans) نام گرفت که با زبان هلندی تفاوت بسیار داشت (کلمه آپارتید که بمعنی جدائی نژادی است ازواژه های این زبان است). افریکانر بعدها به کسی گفته میشد که با وجود آنکه اصلا اروپائی بود ولی در اثر زندگی در محیط جدید صفات تازه ای کسب کرده بود. از خصائص افریکانرها میل شدید بازادی - فرمان نبردن از مقامات مرکزی - برده داری و عشق به تملك اراضی وسیع را میتوان نام برد.

در سال ۱۷۹۵ هنگامیکه ارتش انقلابی فرانسه به هلند حمله کرد دولت بریتانیا برای جلوگیری از تصرف کاپ توسط ارتش ناپلئون با توافق پادشاه هلند مستعمره کاپ را اشغال کرد این امر آغاز تحولی بزرگ در تاریخ افریقای جنوبی گردید زیرا از پی آن بیش از ۵۰۰۰ تن انگلیسی به نواحی شرقی کاپ مهاجرت کردند و کاپ مستعمره انگلستان شد. دولت بریتانیا درصدد برآمد تا بنیادهای دموکراتیک را در کاپ اشاعه دهد بطوریکه در ۱۸۳۸ بردگی را ملغی کرد و برابری افراد را از نظر قانون اعلام نمود. ولی این گونه اقدامات خشم هلندیها را برانگیخت بطوریکه برای رهائی از تسلط بریتانیا و مقررات برابر خواهان آن، درصدد برآمدند کاپ را رها کرده و بنواحی شرقی مهاجرت کنند. بدین ترتیب مهاجرت بزرگ بسوی مشرق آغاز شد. ۴ در این مهاجرتها بود که هلندیها پس از سه پشت اقامت در جنوب آفریقا با قبایل اصلی افریقائی روبرو شدند. تعداد این دسته از افریقائیها که در داخل قبایل، دارای تشکیلات سیاسی و اقتصادی متمرکز بودند به میلیونها تن میرسید. سرانجام هلندیها پس از نبرد و پیروزی بر این دسته از افریقائیان سه جمهوری در نواحی ناتال، اورانژ و ترانسوال تأسیس کردند و قبائل افریقائی را در اراضی معینی بنام «رزرو» محصور نمودند. بدین ترتیب بخش دیگری از سکنه امروز افریقای جنوبی بوجود آمد که تعداد آنها اکنون به یازده میلیون تن میرسد و بانتو (Bantu) خوانده میشوند. ولی باز مقامات بریتانیا کاپ دست از تعقیب افریکانرها برنداشتند و در سال ۱۸۴۲ ناتال را ضمیمه مستعمره کاپ کردند. کشف معادن الماس در ترانسوال در سال ۱۸۷۶، خصوصاً معادن الماس کیمبرلی (Kimberley) در سال ۱۸۷۹، دولت بریتانیا را بر آن داشت که جمهوریهای ترانسوال و اورانژ را نیز به کاپ ملحق کند.

باین منظور ، سیسیل رودز (Cecil Rhodes) نخست وزیر کاپ شورش در ترانسوال طرح ریزی کرد و قرارداد که او با نیروهای خود برای استقرار نظم به ترانسوال حمله کند ولی این نقشه عقیم ماند و سپاهیان کاپ به همگی اسیر و زندانی شدند .

دولت بریتانیا برای حفظ موقع خود ، در اکتبر ۱۸۹۹ نیروئی بافریقای جنوبی گسیل داشت اما حکومت ترانسوال و اورانژ خواستار خروج فوری نیروهای مزبور شدند و با امتناع دولت بریتانیا ، جنگ درگیر شد . جنگی که از اکتبر ۱۸۹۹ تا مه ۱۹۰۲ ادامه یافت و در افریقای جنوبی به جنگ بوئر (The Boer War) معروف است . این جنگ یادآورنده خاطرات تلخی در ذهن افریکانرهاست . پیرمردان و پیر زنانی که خاطرات این جنگ را هنوز بیاد دارند خود را بازماندگان کسانی میدانند که حکومت بریتانیا آنان را همواره تمقیب کرده و به آزادیشان لطمه زده است . افریکانرها هرگز دولت بریتانیا را باخاطر آزاد کردن بردگان سیاه آنها و تصرف جمهوریهای ترانسوال و ناتال نبخشوده اند .

بهر حال جنگ بوئر تأثیری ژرف در تمدن ، فرهنگ و سیاست افریقای جنوبی داشته است . پس از این جنگ زبان و تمدن انگلیسی در افریقای جنوبی گسترش یافت و راه تشکیل اتحادیه افریقای جنوبی هموار شد . در سال ۱۹۱۰ مستعمره های کاپ ، ناتال ، اورانژ و ترانسوال ۶ با حفظ حکومت های خود مختار محلی ، اتحادیه افریقای جنوبی The Union of South Africa را تشکیل دادند . *

۳- جهش اقتصادی افریقای جنوبی

با کشف معادن الماس و طلا در ترانسوال جمعیت در این نقاط فزونی گرفت و این بنوبه خود توسعه کشاورزی و دامپروری را در پی آورد . در کنار معادن رند (Rand) بنای شهر « طلائی » جهانسبورگ آغاز گردید . سیاهان از « رزرها » بیرون آمدند و به کندن زمین پرداختند . اما از آغاز ، نیک پیدا بود که استخراج طلاکار سرمایه های کوچک نیست . جدا کردن رگه های طلا از سنگهای معدنی نیازمند ماشین آلات سنگین و نیرومند بود و دیری نپایید که شرکت های بزرگ ، سرمایه های کوچک را خریدند و سیل سرمایه گذاری خارجی خصوصاً از بریتانیا ، به افریقای جنوبی سرازیر شد و اقتصاد افریقای جنوبی جهش خود را آغاز نمود .

امروزه شهر جهانسبورگ با خیابانهای جواهر فروشی آن که از طلا و الماس انباشته است

۵- بوئرها این جنگ را « The Englise Orlog » یا جنگ انگلیسها مینامند و این نام گذاری حکایت از طرز فکر طرفین درباره مسئولیت وقوع جنگ دارد .

۶- عناوین کامل ایالات چنین است : (Cape of Good Hope, Natal, The Orange Free State, and Transvaal)

*- باید اضافه کرد که در افریقای جنوبی نیم میلیون هندی و پاکستانی الاصل زندگی میکنند که در آغاز بمنظور کار در مزارع جای به افریقای جنوبی مهاجرت کردند .

مظهر پیشرفت اقتصادی آفریقای جنوبی است. هنگامیکه آفتاب طلایی رنگه به آسمان خراشهای بلند جهانسبورگ میتابد دورنمای يك شهر تمام طلایی در ذهن نقش مینندد.

آفریقای جنوبی امروزه یکسوم شمش طلای دنیا و بیش از نیمی از الماس جهان را عرضه میکند ذخیره اورانیوم آن بیش از ذخایر اورانیوم آمریکا و کانادا رویهم است و ارزش صادرات طلای آن کشور از ۲۵۰ میلیون لیره استرلینگه متجاوز است ۷۰٪ خاک آفریقای جنوبی برای پرورش دام مساعد است از اینرو پرورش دام یکی از اشتغالات عمده آفریقای جنوبی است. تنها تعداد گوسفندان آفریقای جنوبی ۳۹ میلیون رأس گزارش شده است (۷). علاوه بر این آفریقای جنوبی دارای فرآورده‌های فراوان و گوناگون کشاورزی است که همه ساله رقم عمده‌ای از صادرات آفریقای جنوبی را تشکیل میدهد.

با اینوصف تولیدات صنعتی آفریقای جنوبی با سرعت بیشتری افزایش یافته است و امروزه محصولات صنعتی آن کشور از مجموع تولیدات کشاورزی و معادن بیشتر است. در فاصله بین دو جنگ محصولات آفریقای جنوبی چهار برابر افزایش یافت و حجم صادرات و واردات دو برابر گردید.

عظیم‌ترین صنایع آفریقای جنوبی صنایع ذوب آهن است که آفریقای جنوبی را در مقیاس قاره آفریقا چون غول صنعتی ساخته است. صنایع ذوب آهن در سال سه میلیون تن فولاد تولید میکند که در داخل کارخانجاتی بطول ۷۰ مایل در اطراف جهانسبورگ تبدیل به محصولات صنعتی میگردد.

علاوه بر معادن، سرمایه‌گذارهای خارجی نقش مهمی در پیشرفت اقتصادی آفریقای جنوبی داشته است. طبق برآورد مجله نیوزویک آمریکا متجاوز از ششصد میلیون دلار بریتانیا بیش از سه میلیارد پوند در آفریقای جنوبی سرمایه‌گذاری کرده است. این پیشرفت اقتصادی يك نتیجه عمده داشته است و آن نیاز مبرم بکارگردان آفریقائی برای گرداندن چرخهای اقتصادی آن کشور است. متجاوز از ۸ میلیون آفریقائی در داخل شهرها و معادن، اسکله‌ها و بنادر، کشتیها و راه آهن کار میکنند. این کارگران غالباً از داخل «رزروها» بیرون آمده و با توطئه در شهرها از پیوندهای قبیله‌ای خود گسسته‌اند.

هجوم روزافزون سپاهیان بداخل شهرها و عطش سیری ناپذیر صنایع آفریقای جنوبی برای جذب کارگر در واقع از علل عمده سیاست تبعیض نژادی دولت آفریقای جنوبی است. دولت سفید آفریقای جنوبی از یکطرف بکارگران آفریقائی نیازمند است و از طرف دیگر از افزایش تعداد آنان وحشت دارد. سیاست آپارتید در واقع زائیده این تناقض نیاز و نفرت است.

۴- قوانین و تدابیر تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی:

یکی از خطوط عمده سیاست حزب ملیون که از سال ۱۹۴۸ زمام امور آفریقای جنوبی را در دست داشته، اعمال شدید تئوری «آپارتید» بوده است. پافشاری در این راه تا بدانجا کشید که آفریقای جنوبی در مارس سال ۱۹۶۱ بصورت جمهوری درآمد و در همان زمان از جامعه کشورهای مشترک المنافع بریتانیا کناره گرفت.

طرفداران سیاست نژادی در پیروی از این سیاست هرگز پرده پوشی نکرده‌اند، سهل است در اعلان اصول آن سخت بی‌پروا بوده‌اند. یکی از مواد قانون اساسی افریقای جنوبی مقرر میداشت: «مردم نمیخواهند بین سکنه سیاه و سفید، خواه در کلیسا و خواه در دولت، برابری وجود داشته باشد». وزیر حمل و نقل افریقای جنوبی در ژانویه ۱۹۶۴ در مجلس نمایندگان اظهار داشت:

«سیاست این دولت آنست که تبعیض کند، اینست دلیل تبعیض ما».

در شانزده سال اخیر یک سلسله قوانین نژادی یکی پس از دیگری بتصویب رسیده است که زندگی مردم سیاه را از نام تا شام کنترل میکنند. مقررات تبعیض آمیز در تمام شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افریقای جنوبی رخنه کرده است و مسائلی از قبیل اقامت - آمد و رفت - حق رأی - اشتغال - تعلیم و تربیت - حضور در اماکن عمومی و شرکت در مسابقات را - تحت کنترل قرار داده است. بموجب قانون اصلاح قانون باقو مصوب سال ۱۹۶۴ کلیه افریقائیان از حق اقامت در ۸۷٪ اراضی کشور محروم شده‌اند و حدود فعالیت آنان به مناطق «رزرو» که فقط ۱۳٪ خاک کشور را تشکیل میدهد محدود شده است.

دکتر فرورد (Verwoerd) نخست وزیر پیشین افریقای جنوبی و طراح معروف آپارتید تفکیک و جدائی نژادی را تنها راه حفظ برتری نژاد سفید میدانست وی نظر خود را ضمن نطق در پارلمان چنین خلاصه کرد:

«به بیان ساده ما میخواهیم افریقای جنوبی را سفید نگه داریم و سفید نگه داشتن افریقای جنوبی مستلزم سلطه و برتری نژاد سفید است. اگر خواست مردم آنستکه نژاد سفید با حفظ برتری به موجودیت خود ادامه دهد این امر فقط «با توسعه جداگانه» امکان پذیر است».

پارلمان افریقای جنوبی کاملاً سفید است و ۱۲ میلیون افریقائی از حق نمایندگی در آن محروم هستند. تنها سیاهان بومی طبق سنت قدیم میتوانند چهار نفر نماینده سفید پوست برای نمایندگی خود در پارلمان انتخاب کنند. اقلیت هندی و پاکستانی نژاد نیز از حق نمایندگی محروم هستند. باین ترتیب تمام قوانینی که علیه نژاد غیر سفید در پارلمان افریقای جنوبی بتصویب میرسد جز با مخالفت غیر مؤثر حزب متحده و نماینده منحصر بفرد حزب مترقی باهیچ مانعی روبرو نمیشود. (۸)

بررسی تمام قوانین تبعیض نژادی از حوصله این مقاله خارج است در اینجا مهمترین این قوانین را به قید اختصار یادآور می‌شویم:

الف - قانون مناطق گروهها (The Group Areas Act)

هدف از این قانون تفکیک نژادهای مختلف از یکدیگر و تمركز هر گروه در منطقه

۸- حزب اقلیت عبارتند از حزب متحده (United Party) و حزب مترقی (Prog-ressive Party) که اولی با اصول تبعیض نژادی موافق است ولی در اجرا آن خواهان ملایمت بیشتری است و دومی مخالف با آنست.

معینی است. جوامع مختلط که در طول چند نسل بدون اختلاف باهم زندگی کرده‌اند بموجب این قانون اجباراً از یکدیگر جدا شده و هر گروه نژادی به منطقه‌ای که بامر از منطقه دیگر مشخص می‌شود نقل مکان یافته‌اند. طبق اظهار وزیر برنامه‌ریزی تا آخر ژوئیه سال ۱۹۶۴ متجاوز از ۷۷۱ منطقه گروهها در ۱۸۳ مرکز اعلام شده‌است. بموجب اعلامیه‌های صادره صدها هزار غیر سفید از مناطقی که مدت‌ها و در بعضی موارد چند نسل در آنجا زندگی کرده‌اند ریشه کن گردیده و بخارج از شهر اخراج گردیده‌اند. تنها اعلامیه دوربن (Durban) صادره در ۴ اکتبر ۱۹۶۴ متضمن تخلیه و انتقال در حدود ده هزار خانواده سیاه‌هندی بود. اعلامیه‌های اخیر در ترانسوال باین منظور بوده است که بالمآل کلیه ۳۸۰۰۰ نفر هندی را از ترانسوال اخراج نموده و آنانرا در محلی مجزا مستقر سازند.

این نقل و انتقالات متضمن زیانهای مادی و معنوی بسیار باعضای جامعه غیر سفید بوده است

دراوت ۱۹۶۴ يك منطقه مرکب از ده بلوك در کاپ که مقر زندگی دو هزار خانواده سیاه بود بعنوان يك منطقه سفید اعلام گردید. سخنگوی جامعه سیاهان اظهار داشت: «این تصمیم علاوه بر خانه‌ها شش مدرسه - چهار کلیسا - يك مسجد و يك سینما و ده‌ها محل کسب و کار در بر میگردد و اگر مردم ناگزیر شوند این مناطق را ترک کنند آنها مدارس، محل عبادت و کسب کار خودرا از دست خواهند داد.

ب - قوانین جواز عبور (Pass Laws)

یکی از مهمترین قوانین تبعیض نژادی که نفرت آفریقائیه را برانگیخته است قانون جواز عبور است. بموجب قوانین مزبور آفریقائیه موظفند همواره کارت شناسائی خود را برای ارائه بمقامات پلیس نزد خود داشته باشند. بر روی این کارت‌ها مهر اجازه کار - مهر اقامت و سرانجام مهر اجازه عبور نصب شده است. وعدم ارائه کارت و یا عدم مطابقت با قوانین مزبور موجب توقیف و مجازات زندان متخلف میگردد.

کمتر آفریقائی را میتوان یافت که بنحوی طبق قوانین جواز عبور توقیف و زندانی نشده باشد. تنها در سال ۱۹۶۲ تعداد محکومین بعلت تخلف از قوانین جواز عبور ۳۸۴ و ۴۹۶ تن یا برابر با هزارتن در روز بوده است.

در سال ۱۹۶۰ صدها هزارتن آفریقائی در شارپویل (Sharpsville) کارت‌های خود را در منزل رها کرده و در برابر اداره پلیس گرد آمدند تا پلیس بجرم نداشتن کارت آنان را توقیف کند ولی پلیس که از هجوم آفریقائیان بوحشت افتاده بود از گاز اشک‌آور استفاده کرد و آنان را با تشنگی گلوله بست. در این حادثه که با حادثه شارپویل معروف است صدهاتن کشته و مجروح شدند و شورای امنیت سازمان ملل بمنوان نقض صلح و امنیت بین‌المللی مجبور بمداخله گردید.

ج - قانون اصلاح قانون بانو (Bantu Law Amendment Act)

قانون اصلاح قانون بانو در سال ۱۹۶۴ بتصویب رسید - بطور کلی هدف از این قانون

محروم ساختن افریقائیان از تمام حقوق در ۸۷٪ اراضی افریقای جنوبی است .
این قانون اقامت اشتغال و رفت و آمد افریقائیها را در خارج از مناطق رزرو شدیداً
تحت کنترل قرار میدهد و وضع آنها را در مناطق سفیدمانندکارگران مهاجر خارجی میسازد
معاون وزارت توسعه و اداره امور باننودر ۷ آوریل ۱۹۶۴ در باره قانون مزبور در پارلمان
گفت :

«حضور باننو در مناطق شهری بوسیله کاری که انجام میدهد توجیه میگردد هر باننو
برای ورود به یک منطقه شهری باید از اداره کار محل جواز لازم تحصیل کند . مقامات اداره
کار در تمدید اجازه کاریک باننو باید این نکته را ملاک قضاوت قرار دهند که آیا باننو وظایف
خود را بعنوان یک کارگر بخوبی انجام داده است یا نه .

بر طبق قانون اصلاح قانون باننو شبکه ای از ادارات کار شهری - ناحیه ای و محلی
تشکیل گردیده و برای اقامت در هر حوزه اجازه اداره کار ضروری شناخته شده است .
اداره کار میتواند چنانچه قرارداد کار را سودمند نداند و یا آنرا به زیان نظم عمومی تشخیص
دهد از صدور اجازه اقامت خود داری کند و یا قرارداد را فسخ کند . در صورتیکه باننو
نتواند باین ترتیب اجازه کار تحصیل نماید مأمور اداره کار میتواند او را بیک مرکز کمکی
(Aid Centre) منتقل کند تا در آنجا «کار مناسبی» بوی ارجاع شود یا اینکه در مدت معینی
همراه با کسان خود از حوزه مربوطه خارج شود .

د- اخراج افریقائیها از مناطق سفید:

بموجب قانون کنترل ورود افریقائیها هزاران تن افریقائی از مناطق شهری اخراج
و به رزروها منتقل شده اند . در سال ۱۹۶۳ تعداد ۳۱۰۳ تن از کاب و ۱۹۶۵۰ نفر از
جها نسبورگ اخراج گردیده اند . وزیر توسعه و اداره امور باننو در ۲۸ ژانویه ۱۹۶۴ در
مجلس نمایندگان گفت «توسعه صنعتی در ده سال گذشته شکست انگیز بوده است این توسعه
محتاج به نیروی کار عظیمی بوده است . معذک این معجزه است که ما توانسته ایم ورود
افریقائیان را به شهرها محدود کنیم و تعداد آنها را عملاً کاهش دهیم . در دو سال گذشته
۱۰۰۰۰۰ باننو از مناطق سفید اخراج شده اند و در سه سال آینده ۵۵۰۰۰۰ نفر دیگر مناطق
سفید را ترک خواهند کرد .»

دولت افریقای جنوبی کوشش کرده است تا کارگران افریقائی را بعنوان مهاجرین
موقت به مناطق سفید بپذیرد و در مقابل زنان و کودکان را از مناطق مزبور اخراج نمایند .
باین ترتیب عملاً تعداد کارگران افریقائی افزایش یافته ولی از جمع سکنه افریقائی در مناطق
سفید کاسته شده است .

ه- آپارنید در ورزش و مسابقات و اماکن عمومی :

تبعیض وجدائی نژادی در مراسم ورزشی و مسابقات - سینماها - تئاترها - رستورانها و
اماکن عمومی بشدت اجرا میشود . در پارکهای سرسبز جها نسبورگ صندلیها با علامت سفید
وسياه مشخص شده است و تقریباً کمترجائی میتوان یافت که رنگ نژادی و تبعیض نداشته باشد

مسابقه بین تیمهای سفید و سیاه ممنوع گردیده و تشکیل تیمهای ورزشی مختلط غیر قانونی اعلام شده است. حضور تماشاگران مختلط در مراسم ورزشی و مسابقات ممنوع گردیده و چنانچه رویداد ورزشی قابل تکرار نباشد باید راهرو جداگانه و صندلیهای جداگانه برای غیر سفیدها تهیه شود. هنرمندان خارجی که برای اجرای برنامه‌های هنری به آفریقای جنوبی آمده‌اند از اجرای برنامه در برابر جمعیت‌های مختلط ممنوع شده‌اند. پس از مشاهده این عمل‌دهها نفر از آنان بعنوان اعتراض به سیاست تبعیض نژادی آفریقای جنوبی قراردادهای خود را فسخ کرده و مراجعت کرده‌اند. اینگونه اقدامات مردم غیر سفید آفریقای جنوبی را از سرگرمیهای ابتدائی و ساده محروم کرده و آتش نفرت و کینه‌توزی را در دل آنها برافروخته است.

بموجب قانون (Immorality Act) روابط جنسی بین دسته‌های نژادی مختلط جرم شناخته شده و ازدواج‌های مختلط غیر قانونی اعلام گردیده است اعمال این قانون نتایج ناگواری بیار آورده است برای مثال يك مرد سفید و زن چینی پس از ۱۸ سال که از ازدواج آنها میگذشت طبق قانون فوق محاکمه شدند و ازدواجشان غیر قانونی اعلام شد آنها دارای چهار فرزند بودند و پس از محاکمه هر دو مشاغل خود را از دست داده‌اند.

طبق تصمیم دولت کارهاییکه مستلزم سرپرستی و نظارت و تخصص است فقط به سفیدها اختصاص داده شده و اشتغال کارگران آفریقائی بمشاغل مزبور ممنوع گردیده است. تبعیض در آموزش و پرورش باسختی دنبال میشود و علاوه بر جدائی مدرسه‌ها بر اساس نژادی برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای برای آفریقائیان در نظر گرفته شده است که از آن میان میتوان تدریس زبانهای آفریقائی، تاکید بر روی تاریخ و سنن قبایل آفریقائی، عدم توجه بزبان انگلیسی و دانشهای نورانام برد.

۵- اقدامات سازمان ملل متحد در زمینه منع تبعیضات نژادی در آفریقای جنوبی:

تقریباً در بیست و سه سال اخیر یعنی از آغاز تاسیس سازمان ملل متحد، مسئله تبعیضات نژادی در آفریقای جنوبی خواه بصورت رفتار دولت آفریقای جنوبی با اتباع هندی نژاد، آن کشور و یا تحت عنوان «آپارتید» و یا «وضع آفریقای جنوب غربی» در سازمان ملل متحد مطرح شده و موضوع بحث و مذاکره فراوان و قطعنامه‌های متعدد قرار گرفته است در این قطعنامه‌ها ارکان مختلف سازمان ملل بویژه مجمع عمومی و شورای امنیت کوشش کرده‌اند تا از طریق تشکیل میزگرد، ایجاد کمیسیون برای بررسی و مطالعه، استفاده از دبیرکل و بهر حال از طریق تشویق و اقناع، دولت آفریقای جنوبی را وادار کنند تا از ادامه سیاست نژادی خود دست بردارد ولی استفاده از این طرق مؤثر واقع نشده و دولت آفریقای جنوبی سرسختانه در اجرای سیاست «جدائی نژادی» که به سخن دیوان عالی آمریکا «ذاتاً تبعیض آمیز است» کوشش کرده است. دولت آفریقای جنوبی همواره صلاحیت سازمان ملل را برای رسیدگی به مسئله تبعیضات نژادی در آن کشور انکار کرده است. بادعای دولت آفریقای جنوبی، رفتار آن کشور با اتباع خویش خواه هندی الاصل باشند و خواه سیاه یا سفید موضوعی است که در درجه اول مربوط به کشور آفریقای جنوبی است و سازمان ملل متحد حق ندارد در امور داخلی آن کشور مداخله کند. از سوی دیگر اکثریت فزاینده کشورهای

آسیائی و افریقائی ، باسناد مواد منشور سازمان ملل در مورد حقوق بشر ، و نیز باسناد اینکه سیاست نژادی افریقائی جنوبی صلح بین‌المللی را تهدید کرده و روابط دوستانه بین کشورها را تیره ساخته است صلاحیت سازمان ملل را مورد تأیید قرار داده و اقدامات شدیدی را علیه آن کشور توصیه کرده‌اند . از آنجا که استفاده از راه‌های «اقتناع‌کننده» برای تغییر سیاست نژادی کشور افریقائی جنوبی مؤثر واقع نشده ، کشور های آسیائی و افریقائی کوشش کرده‌اند تا ماشین مجازات های سازمان ملل را علیه افریقائی جنوبی به گردش درآورند .

در اکتبر ۱۹۶۲ ، مجمع عمومی سازمان ملل بنا به پیشنهاد ۳۴ کشور آسیائی و افریقائی قطعنامه‌ای تصویب کرد و طی آن از کشور های عضو درخواست کرد تا اقدامات سیاسی و اقتصادی زیر را علیه دولت افریقائی جنوبی به مرحله اجراء بگذارند :

(الف) قطع روابط سیاسی با حکومت افریقائی جنوبی یا خودداری از ایجاد اینگونه روابط .

(ب) بستن تمام بنادر خود بر روی کشتیهای حامل پرچم افریقائی جنوبی و جلوگیری از ورود کشتیهای خود به بنادر افریقائی جنوبی .

(پ) تحریم تمام کالاهای افریقائی جنوبی و خودداری از دادن تسهیلات پرواز - فرود آمدن و یا عبور به هواپیماهای متعلق به افریقائی جنوبی یا شرکتهائی که در آن کشور به ثبت رسیده‌اند .

مجمع عمومی همچنین کمیته‌ای بنام «کمیته مخصوص» در باره سیاست آپارتید تشکیل داد تا سیاست نژادی دولت افریقائی جنوبی را مورد مطالعه قرار داده و گزارش لازم تسلیم مجمع عمومی کند و نیز از شورای امنیت درخواست کرد تا اجرای مجازات علیه افریقائی جنوبی از جمله اخراج آن دولت را از عضویت سازمان ملل متحد مورد توجه قرار دهد . شورای امنیت در ۷ اوت ۱۹۶۳ قطعنامه‌ای تصویب کرد و طی آن از تمام دول عضو سازمان ملل درخواست کرد تا از فروش و حمل اسلحه - مهمات و مواد جنگی به افریقائی جنوبی خودداری کنند . مجمع عمومی در سالهای بعد قطعنامه‌های متعددی تصویب کرده و اجرای کامل و همگانی مجازات‌های اقتصادی را علیه افریقائی جنوبی توصیه کرده است ولی کشورهای عمده طرف تجارت افریقائی جنوبی از اجرای این قطعنامه و همکاری با سازمان ملل خودداری کرده‌اند .

طبق گزارش «کمیته مخصوص» کشورهای عمده طرف تجارت دولت افریقائی جنوبی نه تنها روابط اقتصادی خود را با دولت افریقائی جنوبی قطع نکرده‌اند بلکه حجم مبادلات آنها به میزان قابل توجهی افزایش یافته است . ۱۰

9- G. A. Resolution 1761 (XVII) 6 Nov. 1962

این قطعنامه با اکثریت ۶۷ رأی در برابر ۱۶ رأی مخالف و ۲۳ رأی ممتنع بتصویب رسید .

10- Report of the Special Committee On the Policy of Apartheid of the Government of South Africa, 8 Dec. 1964.

کشورهای عمده طرف تجارت افریقای جنوبی عبارتند از بریتانیا، فرانسه، امریکا، جمهوری فدرال آلمان، ایتالیا و یک کشور آسیائی، ژاپن. کشور فرانسه جای آمریکا و انگلستان را در کار فروش اسلحه به افریقای جنوبی گرفته است و در زمینه اتمی بین دو کشور همکاری نزدیک برقرار است.

دکتر فرورد (Verwoerd) نخست وزیر پیشین افریقای جنوبی در ۲۱ ژانویه ۱۹۶۴ در پارلمان اظهار داشت.

«در زمینه‌های روابط بین‌المللی، روابط بین افریقای جنوبی با کشورهاییکه حفظ روابط آنها با ما اهمیت دارد، با برقراری همکاریهای صحیح و تماسهای خوب به بهترین وجهی حفظ شده است. کشورهای انگلیس و آمریکا از تحت فشار قراردادن افریقای جنوبی جلوگیری خواهند کرد و اگرچه بملت تحریم تجارت با افریقای جنوبی تجارت با بعضی کشورهای افریقائی دچار لطمه گردیده است ولی این امر با توجه به افزایش تجارت با سایر کشورها بیش از حد لازم جبران شده است.»

اریک لو (Eric Lou) وزیر خارجه افریقای جنوبی در ۳۰ اکتبر ۱۹۶۳ در پارلمان آنکشور گفت:

«کشورهائی مانند انگلستان و امریکا که با افریقای جنوبی بازرگانی خارجی سودمند، سرویسهای حمل و نقل هوائی و سرمایه‌گذاریهای وسیع دارند حاضر نخواهند شد از پیشنهاد برای سانکسیون‌های اقتصادی علیه دولت افریقای جنوبی پشتیبانی نمایند. وی اضافه کرد که تولید عظیم طلا در افریقای جنوبی رفتار آنها را تحت تاثیر قرار خواهد داد.»

چنانکه ملاحظه میشود همکاریهای وسیع اقتصادی دول معظم غربی با افریقای جنوبی مانع از اتخاذ تدابیر اقتصادی و سیاسی شدید علیه افریقای جنوبیست. در شورای امنیت نمایندگان کشورهای مزبور با هرگونه اقدام ورای بحث و مشورت و توصیه علیه دولت افریقای جنوبی مخالفت کرده‌اند. دولت افریقای جنوبی با اتکاء به کمکهای اقتصادی دول معظم غربی نه تنها توانسته است اقدامات سازمان ملل را بی‌اثر کند بلکه با کمک به رژیم غیر قانونی رودزیای جنوبی محاصره اقتصادی علیه آنکشور را نیز بی‌اثر ساخته است و سرسخانه به اجرای سیاست آپارتید ادامه میدهد.